



رهبران تباهی (3) آنتوان لایو

پدیدآورده (ها) : نگارش، حمید

فلسفه و کلام :: مربیان :: تابستان 1389 - شماره 36

از 80 تا 88

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/930818>

دانلود شده توسط : مرکز مدیریت حوزه های علمیه-کتابخانه ایت الله بروجردی

تاریخ دانلود : 10/03/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

رهبران تباهی (۳): آنتوان لاوی

دکتر حمید نگارش

عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی

چکیده:

این نوشتار بر آن است پاره‌ای از اندیشه‌های آنتوان لاوی عنصر وابسته به دستگاه‌های اطلاعاتی غرب را به بوته نقد درآورد. عمده‌ترین محورهای نقابی این عنصر وابسته، ترویج شیطان‌پرستی، اباحیگری و دین‌ستیزی است. در ادامه مقاله به یکی از راه‌های مصون‌سازی در برابر این اندیشه انحرافی اشاره شده است. **واژگان کلیدی:** لاوی، شیطان‌پرستی، اباحیگری، تبلیغ دین.

مقدمه

با وجود پیشرفت‌هایی که بشر در دوران مدرنیته کسب نمود در بعد معنوی سیر قهقرایی و عقب‌گرد را برای خود رقم زد. علت عمده این تنزل معنوی به نگاه غرب و فرهنگ غربی درباره انسان برمی‌گردد. انسان در مدل فرهنگ غربی ماهیتی حیوانی دارد و اصالت با خواسته‌های نفسانی اوست. این انسان همیشه محکوم غرایز بوده و به هیچ وجه از زندان غریزه بیرون نمی‌رود. بر اساس این مدل، کوشیده می‌شود نیازهای او را بر اساس ساختار حیوانی‌اش تامین نمایند. ترویج بی‌بند و باری و اباحیگری، دین‌ستیزی و دوری از ارزش‌های دینی همه در این راستا تفسیر می‌شود. این همان لجن‌زاری است که امروز انسان غربی در آن غرق شده و می‌کوشد آن را به همه دنیا سرایت دهد. از سویی دیگر انسان در مدل دینی دارای گرایش‌های قدسی و متعالی است و می‌کوشد به قرب الهی و سعادت ابدی راه یابد. تقابل این دو نمونه از

انسان امروز در دهکده جهانی کاملاً محسوس و ملموس است. امروز طراحان غربی سازی جهان می‌کوشند با استفاده از همه ظرفیت‌ها مدل غربی خود را بر جهان حاکم نمایند. آنان می‌دانند فرهنگ‌سازی از این مدل با منافع آنها همخوانی داشته و به سلطه آنها بر کشورها استمرار می‌بخشد. شخصیت‌سازی و ارائه الگوهای تاثیرگذار از جمله ابزار آنها در این راه است. از جمله شخصیت‌ها که در دو دهه اخیر و با هدایت سرویس‌های جاسوسی غرب در این تقابل نامیمون به صحنه فراخوانده شد آنتوان شزاندرا لای می‌باشد. این مقال می‌کوشد اندیشه‌های این شخصیت دست‌نشانده غربی را به بوته نقد درآورد.

شخصیت آنتوان لای

آنتوان شزاندرا لای^۱ در ۱۱ آوریل سال ۱۹۳۰ در شهر شیکاگو ایالت ایلوی نويز متولد شد. سپس خانواده‌اش به سانفرانسیسکو نقل مکان کردند و بیشتر دوران رشد وی در همانجا سپری شد و تا زمان مرگش در آنجا سکونت گزید.

وی شخصیتی ناهنجار و ناسازگار داشت به گونه‌ای که در سن ۱۷ سالگی ضمن فرار از تحصیل و خانه به عنوان دلقک در یک سیرک مشغول به کار شد. لای در سن ۲۰ سالگی و در سال ۱۹۵۰ در دایره جنائی پلیس آمریکا به عنوان عکاس جنائی مشغول به کار می‌شود. این عنصر وابسته در سال ۱۹۵۲ با کارول لسنینگ ازدواج کرد اما به دلیل بی‌توجهی به اصول اخلاقی و عدم پای‌بندی به روابط خانوادگی از همسرش جدا شد. نتیجه این ازدواج اولین دختر او کلارا لای بود. از سال ۱۹۶۰ به بعد روابط نامشروعش با زنی به نام داین هگارتی آغاز گردید! لای از این روابط، صاحب فرزند دختر دیگری شد!

طبق برخی اخبار و گزارش‌ها در همین سال‌ها روابط جدی و پردامنه وی با برخی عناصر سازمان سیا همچون مایکل آکینو برقرار می‌شود. آکینو که در ارتش و سازمان سیا مشغول فعالیت بوده است به خاطر اختلافاتی که بعدها با آنتوان لای پیدا می‌کند، معبد بیست آراکه از مخفی‌ترین مراکز شیطان پرستی است در سانفرانسیسکو تاسیس می‌کند. (بیست نام یکی از خدایان مصر است)

لای بعد از ارتباط با سازمان سیا و در ۳۰ آوریل ۱۹۶۶ در حالی که سر خود را (به عنوان رسم آئین جدید) تراشیده بود تاسیس کلیسای شیطان را اعلام کرد. قبل از این اعلام رسمی لای در دهه ۱۹۵۰ گروهی به نام حلقه جادویی یا دایره اسرارآمیز را تشکیل داده و عده‌ای را به سوی خود جذب کرده بود. بعد از اعلام بنیان‌گذاری کلیسای شیطان، وی خود را اسقف اعظم کلیسای شیطان و پاپ سیاه اعلام می‌کند، و بدین وسیله به نقد ادیان به ویژه مسیحیت می‌پردازد. چندی بعد به انتشار کتاب انجیل شیطانی پرداخت و رسماً اعلام کرد که شیطان

فرمانروای زمین می‌باشد! از آن جاکه او بر مسلکی تاکید می‌کرد که فرد را به عنوان حیوانی که دارای آمال و آرزوهاست و باید به آنها دسترسی پیدا کند و مورد پرستش قرار گیرد به محبوبیت دست یافت! در سال ۱۹۷۲ با نوشتن کتاب آئین و مناسک شیطانی رسماً به ترویج مراسم شیطان پرستی پرداخت.

از آن جاکه او هنر پیشه و مشاور بسیاری از فیلم‌های هالیوودی بود بسیاری از چهره‌های سرشناس و مشهور سینما همچون سامی دیویس، کیم نوآک و جین مانسفد را به ارتباط با کلیسای شیطانی فراخواند. آنتوان لاوی با جدائی از هگارتی در سال ۱۹۸۰ با زن دیگری به نام بلائچ بارتون آشنا شد و حاصل این آشنایی تولد فرزند پسرى بود. او سرانجام در ۱۲۹ اکتبر سال ۱۹۹۷ در بیمارستان سنت ماری شهر سانفرانسیسکو بر اثر تورم ریه می‌میرد و در تدفین شیطانی او که به صورت مخفی انجام شد جسد او را سوزانده و خاکسترش را بین وارثانش تقسیم کردند و با این فرض که دارای قدرت اسرارآمیز است در آئین شیطان پرستی در کلیسای شیطان از آن استفاده می‌شود! نگاهی اجمالی به تفکرات القائی این چهره سرسپرده، ماهیت او را بیشتر روشن می‌نماید.

۱. ترویج شیطان پرستی

آنتوان لاوی با تاسیس کلیسای شیطانی و نوشتن انجیل شیطانی رسماً به ترویج شیطان پرستی و تاسیس فرقه شیطان پرستان پرداخت. فرقه‌ای که با حمایت مستقیم سازمان‌های جاسوسی موساد و سیا و از طریق فضاهاى مجازى، اینترنتی و رسانه‌ای توانست چهره‌ای بین‌المللی از خود ارائه دهد. او که افکارش به شدت تحت تاثیر نیچه فیلسوف ملحد غربی بود، شیطان را نماد آرزوها و لذت‌طلبی انسان معرفی کرد و با تکیه بر تفکرات اومانیستی، محوریت هستی را انسان قرار داد و بدین وسیله آموزه‌های دینی را زیر سؤال برد. او در کتاب انجیل شیطانی به ترویج شاخص‌ها و اصول شیطانی خود اشاره می‌کند. بعضی از اصول مطرح شده توسط وی به شرح ذیل می‌باشد:

۱. شیطان می‌گوید: انتقام و خونخواهی به جای روی برگرداندن!
۲. شیطان تمام چیزهایی را که گناه شناخته می‌شوند می‌ستاید، زیرا از تمام آنها لذت و خشنودی فیزیکی، روانی یا احساسی دست می‌دهد! (او گناهان را برای برآمدن نیازهای انسانی لازم می‌داند!)
۳. شیطان می‌گوید انسان حیوانی است گاه برتر از سایر حیوانات و اکثر مواقع به دلیل روح خدائی که از او بدطینت‌ترین حیوان را ساخته، پست‌ترین حیوانات است! (روح خدایی که به

اعتقاد ادیان آسمانی منشأ و دلیل بزرگی و برتری انسان‌هاست در تفکر او دلیلی بر بدطینت‌ترین موجود بودن اوست.^۳

در نظرگاه لاوی خدایی برای پرستش وجود ندارد! و شیطان نماد نیروی تاریکی طبیعت و مرگ و بهترین نشانه قدرت و ضد مذهب بودن است. او می‌پندارد که انسان در برابر خداوند مسئول نمی‌باشد و به همین جهت به گرایشات خودپرستانه و حیوانی روی آورده است و پیروان او بر این اساس به انحرافات اخلاقی گسترده دست زده و در مراسم‌های شیطانی خود به کارهایی که از تصور آدمی خارج است می‌پردازند! هانس هولزر نویسنده غربی در کتاب خود ضمن نقد شیطان‌پرستی، شبی را که خود شاهد یکی از این محفل‌ها بوده است طی گزارشی بیان کرده و از رفتارهای غیر انسانی آنها پرده برداشته است.^۴

تفکرات انحرافی این فرقه دست نشانده و وابسته، امروز مرزهای کشورها را درنوردیده و آثار زیانباری را بر اخلاق و فرهنگ عمومی ملت‌ها بر جای نهاده است و عامل رشد خشونت، قتل و بی‌بند و باری گسترده گردیده است. ویلیام گاردنر در این باره می‌نویسد:

در امریکای شمالی سالانه شصت هزار نفر ناپدید می‌شوند. بیشتر آنها کودکان فراری هستند که سرانجام به خانه بازمی‌گردند اما بسیاری از آنها هیچ‌گاه پیدا نمی‌شوند! بدون شک تعدادی از آنها در آیین‌های شیطان‌پرستانه مورد تجاوز قرار می‌گیرند، به قتل می‌رسند، قربانی یا خورده می‌شوند! جیمز توین جوان ۱۸ ساله‌ای که یک پرستار ۲۱ ساله را کشت به طور مستقیم درگیر شیطان‌پرستی بود. سه پسر چهارده ساله‌ای که در کانادا در خانه‌ای به دار آویخته شدند نیز قربانی شیطان‌پرستی شدند. بیش از دو هزار کانادایی که غالباً زنان هستند از آزار فرقه‌های شیطان‌پرست شکایت کرده‌اند! ... رابرت تاکر که یک کارشناس است معتقد است که این موارد در تمام کانادا و امریکا در حال افزایش است! وی می‌گوید که در فلسفه شیطان‌پرستی، قتل، خودکشی، تجاوز و... تقدیس می‌شود!^۵

آثار گرایش به این فرقه انحرافی به جهت تبلیغات گسترده غربی در کشور ما هم رو به گسترش می‌باشد و عده‌ای از جوانان و نوجوانان دختر و پسر ناآگاهانه و از طریق دوستان خود که از عواقب شوم این گرایش‌ها خبری ندارند وارد این گروه‌ها می‌شوند. نهادهای این گروه شیطانی بر روی لباس‌ها و تی‌شرت‌ها، فیلم‌ها و کتب و از طریق فضاهای مجازی در سطح وسیعی در کشورها تبلیغ می‌شود و در کشور ما نیز در حال گسترش است. متأسفانه آثار نویسندگانی همچون رالینگ و پائولو کوئیلو که رسماً از این فرقه و نمادهای آن تبلیغ و تمجید کرده‌اند در سطح وسیعی در کشور ما ایران چاپ گردیده است! رمان رالینگ که به ۶۱ زبان زنده دنیا برگردانده شده و ۲۵۰ میلیون جلد از آن به فروش رسیده است و فیلم داستانی آن هم از تلویزیون ایران

پخش گردید صریحاً به ترویج باورهای شیطان پرستان و نمادهای آنان می پردازد. از طرف دیگر با ورود هالیوود در تبلیغ این فرقه شیطانی رسماً تولید فیلم‌هایی با مضامین شیطانی در دستور کار سیاستمداران غربی و صهیونیستی قرار گرفته است. عجیب‌تر آنکه در ساخت این فیلم‌ها از عامل وابسته خود یعنی مؤسس کلیسای شیطان، آنتوان لاوی استفاده نموده و فیلم‌های نیایش برادر اهریمنی من در سال ۱۹۶۹، سیتنیس (satanis) و عشاء ربانی در سال ۱۹۷۰، باران شیطان در سال ۱۹۷۵، مرگ صحنه سال ۱۹۹۵ را تولید نمود و برای تبلیغ از تفکرات انحرافی وی، او را در فیلم‌های انحرافی و معنی دار خود وارد نمود!

۲. دین ستیزی

از تفکرات این فرقه که بر ترویج آن در سراسر جهان اصرار می‌ورزد مقابله با دین و آموزه‌های آن است. گرچه این مقابله در مرحله اول با مسیحیت و آموزه‌های کلیسا بود ولی به تدریج و با توجه به اهداف تعریف شده در مرحله بعد با آموزه‌های ادیان الهی و به خصوص اسلام به اوج خود رسید. آنتوان لاوی که خود سردمدار تفکر انحرافی شیطان پرستان است به شدت تحت تأثیر تفکر نیچه فیلسوف ملحد غربی است. در نظرگاه نیچه روح آدمی زمینی است و خدا برخاسته از تفکر آدمی می‌باشد! شهید مطهری ضمن رد تفکرات نیچه می‌نویسد:

(نتیجه معتقد بود) که فکر خدا و زندگی اخروی را باید کنار گذاشت باید رأفت و رقت قلب را دور انداخت. رأفت از عجز است، فروتنی و فرمانبری از فرومایگی است. حلم و حوصله و عفو و اغماض از بی‌همتای و سستی است و...^۶

شیطان پرستان با تکیه بر اندیشه‌های فیلسوفانی چون نیچه ارتباط انسان را با خداوند قطع نموده و بار متافیزیکی تعالیم دینی را نادیده می‌گیرند. آنها با استفاده از عواطف بشری می‌کوشند عقلانیت ادیان آسمانی را کنار زده بار دیگر خرافات را در اذهان مردم زنده نمایند. خرافاتی که معنویت را پردازش می‌کند که حرام و حلالی را بر نمی‌تابد و بدون هیچ ریاضتی به دست می‌آید. بدیهی است این نگاه آرام آرام آموزه‌های دین را از زندگی آدمی بیرون می‌نماید. امروز نمادهای ضد مسیح و ضد دینی این فرقه در گردن‌بندها و لباس‌های گروندگان در حد زیادی به چشم می‌خورد، و خوب است مسئولین امر در این رابطه تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

۳. ترویج اباحی‌گری

آنتوان لاوی با تأسیس کلیسای شیطان و انکار نمودن آموزه‌های دینی رسماً زمینه‌های ترویج اباحی‌گری و بی‌بند و باری را در میان مردم بنیان نهاد. حضور دین و آموزه‌های آن در

هدایت و تعدیل رفتارهای انسانی بسیار تأثیرگذار است. این حضور تأثیرگذار از طرف مدعیان پلید وابسته در معرض آماج حملات گوناگون قرار گرفته و افراد زیادی که از ماهیت این نوع حملات اطلاع نداشتند و غافل از صدور تفکرات اومانیستی و لیبرالیستی در فضای جهانی سازی بودند تحت تأثیر این نوع القائات قرار گرفتند و با آنان همراهی نمودند.

لاوی با تألیف انجیل شیطانی مقابله با آموزه‌های دینی را در دستور کار خود قرار داد و با شعار هر کسی خدای خود هست زمینه‌گرایی به کارهای انحرافی، و ضد دینی را فراهم کرد. تجاوز جنسی، هم‌جنس‌بازی، خون‌آشامی، قتل، آدم‌خواری، زنا با محارم، بهره‌جوئی جنس از کودکان در انظار عمومی، عریان شدن در میان جمع تنها بخشی از گناهان و انحرافات بود که او مرتکب شد! آموزه‌های انجیل شیطانی و تفکرات آنتوان لاوی توسط اربابان او از طریق ابزارهایی همچون موسیقی، رمان، فیلم و مانند آن دائماً در بین آحاد ملت‌ها ترویج و تزیق می‌شود! به عنوان مثال یکی از این ابزارهای مهم موسیقی است که به راحتی از طریق سایت‌ها در اختیار همگان قرار می‌گیرد و از آنجا که زبانی جهانی و ظرافت‌های فریبنده و اغواگر دارد تأثیرات زیادی را بر احساسات آدمی ایجاد می‌کند. طی دو دهه گذشته خوانندگان مطرح و فاسد غربی اشعاری را که از آموزه‌های انجیل شیطانی اقتباس کرده بودند با موسیقی‌هایی همچون متالیکا اجرا و در سطح وسیعی در دنیا عرضه کردند. متأسفانه این اشعار و خوانندگان آنها با مجوز وزارت ارشاد دولت اصلاحات در کشور ما هم عرضه شد و حتی در یکی از کتاب‌ها علائم کلیسای شیطانی در روی جلد کتاب چاپ گردید!

تبلیغ دینی عامل مهم خنثی‌سازی

با وجود نقشه‌ها و ترفندهای بیگانگان برای مقابله با دین و آموزه‌های آن، افکار بلند حاملان وحی هنوز بر سر زبان‌هاست. این مهم تا امروز به همت و کوشش مبلغان و پیام‌گزاران دینی صورت گرفته است که در انتشار آن افکار بلند تمام تلاش خود را به صحنه آوردند و از هیچ کوششی دریغ نورزیدند. شناساندن و تبلیغ صحیح دین می‌تواند یکی از راهکارهای مهم مصون‌سازی در برابر حملات دشمنان دین باشد. به باور بعضی از متفکران بزرگ امروز تبلیغ دین آن هم تبلیغ اسلام بسیار ضعیف است و این گوشزد و تذکری بسیار مهم است که در آینده دینداری بسیار تأثیرگذار می‌باشد. شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

واقعاً عجیب است! هیچ دینی در دنیا به اندازه اسلام از نظر دستگاه تبلیغاتی و مبلغینش ضعیف نیست. حتی وقتی به یهود که اقلیت است نگاه می‌کنیم می‌بینیم این آبهای زیرکانه بسیار مجهز هستند، لاقلاً به عوامل تحریف، اینها جنبه اثباتی ندارند که مردم را دعوت به یهودی‌گری

بکنند ولی جنبه تحریشان زیاد است. یعنی تخریب مکتب‌های دیگران... بیش از ۹۰٪ کرسی‌های اسلام‌شناسی جهان در اشغال یهودی‌هاست! اسلام‌شناس‌های جهان یهودی هستند! شما ببینید این‌ها چقدر قدرت ضربه زدن دارند!^۷

امروز یکی از راهبردهای مهم در جهت حفظ دین تبلیغ به معنای واقعی کلمه است. اگر این مهم توسط دین‌شناسان به وقوع بپیوندد تمام نقشه‌های بیگانگان نقش بر آب خواهد شد. عدم آگاهی بعضی از مردم از حقیقت دین و نقش آن در ساختن جامعه بشریت زمینه گرایش آنها را به خرافات و انحرافات روز به روز بیشتر می‌نماید. اگر جوان ما اطلاعات جامعی از فلسفه دین و اهداف آن داشته باشد به تحریف‌های بیگانگان درباره دین اعتنا نمی‌کند. عدم تبلیغ صحیح، امروز، زمینه‌های تردید و دودلی را در بین نسل جوان آنقدر زیاد نموده که ناخودآگاه به تحریف دین‌سازان و فرقه‌سازانی همچون آنتوان لاوی‌هاگرایش نشان می‌دهند. مربیان و معلمان بزرگواوری که امروز وظیفه هدایت را بر دوش دارند به مراتب نسبت به گذشته باید در این امر مهم بیشتر همت گمارند. راه مبارزه با انحراف، عرضه صحیح مکتب آن هم به زبان روز است. شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

مگر می‌شود تشنگانی را که برای جرعه‌ای آب له له می‌زنند از نوشیدن آب موجود به عذر این که آلوده است منع کرد؟ این ما هستیم که مسئولیم. ما به قدر کافی در زمینه‌های مختلف اسلامی کتاب به زبان روز عرضه نکرده‌ایم. اگر ما به قدر کافی آب زلال و گوارا عرضه کرده بودیم به سراغ آب‌های آلوده نمی‌رفتند. راه مبارزه، عرضه داشتن صحیح این مکتب در همه زمینه‌ها با زبان روز است. حوزه‌های علمیه ما که امروز این چنین شور و هیجان فعالیت‌های اجتماعی یافته‌اند باید به مسئولیت عظیم علمی و فکری خود آگاه شوند. باید کارهای علمی و فکری خود را ده برابر کنند. باید بدانند که اشتغال منحصر به فقه و اصول رسمی، جوابگوی مشکلات عصر معاصر نیست.^۸

در برابر این همه کتاب، فیلم و ابزاری که در جهت ضربه زدن به دین و آموزه‌های آن به میدان آمده است ما چند کتاب، فیلم و مانند آن تهیه کرده‌ایم، چقدر توانسته‌ایم نیازهای تشنگان به معارف دین را در این بازار مکاره مدعیان دروغین برآورده نماییم. مرحوم استاد مطهری ضمن تأیید این جریان و روند آن می‌نویسد:

انتشارات مذهبی ما از نظر نظم وضع مطلوبی دارد، بگذریم از آثار و نوشته‌هایی که مایه بی‌آبرویی است، آثار و نوشته‌های مفید و سودمند ما نیز با برآورد قبلی نیست. یعنی براساس محاسبه احتیاجات و درجه‌بندی ضرورت‌ها صورت نگرفته است. هر کسی به سلیقه خود آنچه را مفید می‌داند می‌نویسد و منتشر می‌کند. نتیجه همین است که آنچه بایسته و لازم است

نوشته نمی‌شود و چیزهایی که زاید و بی‌مصرف است پشت سر یکدیگر چاپ می‌شوند... بدون شک کتاب‌های به اصطلاح تبلیغی و دفاعی اسلامی ما اغلب این‌ها زیانشان از سودشان بیشتر است و غالباً به جای آگاه‌کننده و بیدارکننده باشد تخدیری و گمراه‌کننده است و به جای آنکه هدایت‌کننده باشند، گمراه‌کننده‌اند.^۹

ساماندهی و کنترل این امر مهم بر دوش مسئولان فرهنگی است که باید با برنامه‌ریزی اصولی و صحیح، نیازهای علمی و معنوی جامعه را پوشش دهند. آیا با روش گذشته می‌توان در برابر هزاران کتاب، فیلم و مانند آن که لحظه لحظه بر تعداد آن افزوده می‌شود جوابگو بود.

آینده‌نگری رمز موفقیت تبلیغ دینی

امروز بر مریبان دینی لازم است که در امر تبلیغ دین و آموزه‌های آن چالش‌ها و ترفندهای آینده بیگانگان نسبت به دین اسلام را پیش‌بینی کنند تا بتوانند براساس آن به برنامه‌ریزی بپردازند. شهید مطهری در این باره می‌فرماید:

برای نهضت ما نیز چنین آینده‌ای که در آن عرضه افکار داغ باشد قابل پیش‌بینی است. از این رو لازم است روحانیت ده‌ها برابر گذشته خود را تجهیز کند. روحانیت احتیاج به تقویت دارد احتیاج به برنامه و کار منظم دارد. در برابر روحانیت مردم قرار دارند که به مراتب بیشتر از گذشته به هدایت و راهنمایی و ارشاد احتیاج دارند. روحانیت باید به سرعت به فکر چاره بیفتد و تا سیل عظیم به راه نیفتاده است خود را برای مقابله با آن آماده کند.^{۱۰}

آن یگانه دوران به حوزویان و اندیشمندان حوزوی هشدار می‌داد که مهم‌ترین رسالت خود را مبارزه با انحراف‌ها و پاسخ‌گویی به شبهات بدانند. ایشان معتقد بود که اگر این آینده‌نگری امروز از حوزه برداشته شود فردا یا حوزه و حوزه‌های نداریم و یا حوزه‌ای رو به انحطاط خواهیم داشت. امروز صاحبان افکار و تفکرات انحرافی ده‌ها برابر گذشته با پوشش‌های تخدیری و دروغین جوانان ما را به انحراف می‌کشاند اگر این آگاه‌سازی‌ها متناسب با پیش‌بینی‌های اصولی صورت نگیرد بسیار خطرناک خواهد بود. این مهم نه تنها بر دوش روحانیت که برعهده همه مریبان و معلمان جامعه است تا بتوانند پاسخ‌گوی نیازهای عصر خود باشند. اگر مریبی ما از جدیدترین ترفندهای دشمنان آگاهی کامل نداشته باشد هرگز نمی‌تواند پاسخ‌گوی سؤالات و چالش‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

آنچه به رشته تحریر درآمد روشن می‌کند که همواره در مقابل خط انبیای الهی، رادهای انحرافی و شیطانی وجود داشته است. این راه‌ها در هر زمان متناسب با شرایط آن زمان در

نظر گرفته شده است. امروز در عصر انفجار اطلاعات، ابزارها و روش‌های انحرافی جبهه شیطان با گذشته تفاوت بسیاری کرده است. دنیای بعد از رنسانس با شعار آزادی مطلق ارتباط با آسمان را کم‌رنگ کرد و بشر تشنه‌ی معنویت را به معنویت‌های دروغین سوق داد. بدین‌سان قبله بشر جدید انسان و خواسته‌های نفسانی و شیطانی او گردید و به جای پرستش خدا به پرستش خود و شیطان روی آورد و این مهم توسط شخصیت‌های پلید و دست‌نشانده‌ای همچون آن‌توان لاوی ترویج و تبلیغ شد و بسیاری از جوانان را به انحراف کشاند. تبلیغ دین به صورت جامع و کامل راه برون‌رفت از این چالش‌ها خواهد بود. معرفی این چهره‌های سرسپرده و اهداف و نیات شوم آنان توسط مربیان و اندیشمندان دینی راه مهم مصون‌سازی در برابر انحرافات آنان می‌باشد.

پی‌نوشتها:

1 . Anton sandor lavey

2 . Set

۳. ر.ک. کزراهه شیطان‌پرستی، حمید نگارش، ص ۸۵. نشر زمزم هدایت، سال ۸۹.
۴. شیطان در ادبیات ادیان، محمد رسول فرهنگ‌خواه، ص ۱۵۲، نشر مؤسسه عطانی، ۱۹۷۶ میلادی.
۵. جنگ علیه خانواده، ویلیام گاردنر، ص ۳۲۷، ترجمه معصومه محمدی، نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، بهار ۸۶.
۶. انسان کامل، مرتضی مطهری، ص ۲۵۹، نشر صدرا، بهمن ۷۷.
۷. حماسه حسینی، مرتضی مطهری، ج ۱، ص ۱۹۹، نشر صدرا، سال ۶۶.
۸. رمز موفقیت استاد مطهری، حمید نگارش، ص ۲۷۴، نشر مؤسسه امام عصر(ع)، سال ۷۸.
۹. روحانیت از دیدگاه شهید مطهری، حمید نگارش، ص ۱۶۱، نشر ستاد بزرگداشت استاد مطهری، ص ۸۸.
۱۰. رمز موفقیت استاد مطهری، حمید نگارش، ص ۲۷۳، نشر مؤسسه امام عصر(ع)، سال ۷۸.